

# سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن اصلی خلق ایران

- ۱- سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن اصلی خلق ایران .
- ۲- آیا خطر تجزیه ایران وجود دارد؟
- ۳- چشم طمع مسکو به ایران .
- ۴- آیا واقعا شوروی امروزه بهشت برابری ملیتهای مختلف است؟

جنبش جوانان و دانشجویان انقلابی ایران (م - ل)

## سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن اصلی خلق ایران

پس از سقوط رژیم ارتجاعی شاه و شکست امپریالیسم آمریکا در ایران مبارزات مردم قهرمان ما وارد مرحله نوینی گردیده است. میهن ما در موقعیت فوق العاده سوق الجیشی قرار دارد و قریب به ۲۵۰۰ کیلومتر با روسیه شوروی هم مرز است. سوسیال امپریالیسم شوروی به تبعیت از تزارهای قدیم که بوسیله معاهدات ننگین گلستان، ترکمانچای و محرم ۱۲۹۹ قریب بیک میلیون کیلومترمربع از خاک میهن ما را غصب نمودند، توطئه شومی را علیه ایران تدارک میبینند تا بتوانند در اولین فرصت به آرزوی تزارهای قدیم یعنی دست پیدا کردن به آبهای گرم خلیج فارس و بلعیدن ایران برسند و ذخائر ملی نفت و گاز ایران را بچنگ آورند، تجاوز مستقیم ویتنام با پشتیبانی و تحریک سوسیال امپریالیسم شوروی به کشور کوچک

۸ میلیون کامبوج، بلعیدن و تحت نفوذ درآوردن بی دریبی اتیوپی، یمن جنوبی و افغانستان باید هر ایرانی وطن پرستی را بفکر فرو برد. امپریالیسم روسیه که در حمله گری و توطئه دست امپریالیسم آمریکا را از پشت میبندد، بسیار مودبانه و پیچیده عمل کرده و برای کنترل و تحت نفوذ درآوردن کشورهای جهان سوم معمولاً به سه طریق زیر عمل میکند:

۱- تجاوز علنی و مستقیم مانند حمله به چکسلواکی در

سال ۱۹۶۸.

۲- تجاوز غیرمستقیم بوسیله کشورهای دست نشانده و

مزدور مانند حمله و یورش و تجاوز ویتنام به کشور کوچک کامبوج.

۳- توطئه از درون بوسیله جاسوسان و عمال دست نشانده

و سرسپرده خود که به فعالیت برای منافع شوروی پرداخته تا

بدین طریق بتوانند قدرت سیاسی را در درون کشور مورد نظر

در دست گیرند. رژیم ترکی در افغانستان، رژیم منگیشو در

اتیوپی و رژیم عبدال اسامیل در یمن جنوبی از اینگونه اند.

در مورد میهن ما ایران امپریالیسم شوروی بعلمت موقعیت

جاساس و خطرناک بین المللی فعلاً قادر به تجاوز مستقیم نمی-

باشد. شق دوم هم که میبایست بوسیله رژیم مینامند رژیم

ترکی از افغانستان انجام گیرد، بخاطر وحدت و یکپارچگی مردم

ایران و ضعف درونی رژیم ارتجاعی و فاشیستی ترکی و مبارزات

مردم افغانستان انجام پذیر نمیشود. بنابراین دارو دهنه

بوزنف شق سوم را بعنوان بهترین و عطی ترین راه برگزیده است.

آنها پس از عقب نشینی و شکست امپریالیسم آمریکا برای

کنترل و تحت نفوذ درآوردن ایران از درون، هرروز به توطئه‌ی

جدیدی دست میزنند. هدف آنان اینست که بوسیله عمال و

سرسپردگان خود و خائنین به میهن، چند دستگی، تفرقه و

آشوب براه انداخته، وحدت ملت ایران و جبهه متحد ملی را

بر هم زنند. همانند امپریالیسم انگلیس که شعارش "تفرقه -

بیانداز و حکومت کن" بود، امپریالیسم روسیه هم از همین

طریق میخواهد زمینه را برای تجزیه ایران فراهم آورد.

بنابراین دشمن اصلی ملت ایران، سوسیال امپریالیسم

شوروی است و تضاد عمده میان ایران از یکطرف و روسیه شوروی

از طرف دیگر میباشد. تضادهای داخلی به تضادهای فرعی تنزل

میآید زیرا پس از شکست سیاسی امپریالیسم آمریکا و رژیم

دست نشاندهاش در ایران، روابط بین المللی ایران تغییر یافته

و روابط طبقاتی درونی هم شکل نویی را پیدا نموده که موجب

پدیدآمدن مرحله جدیدی در تکامل اوضاع اجتماعی در وطن ما

شده است. سوسیال امپریالیسم شوروی هدفش از نظر سیاسی در

مورد ایران کنترل، تحت نفوذ درآوردن و بلعیدن ایران است،

از اینرو تضادهای میان ایران و کشورهای امپریالیستی دیگر در

درجه دوم قرار میگیرد و تضاد عمده و اصلی بصورت تضاد بین

ایران و امپریالیسم شوروی پدیدار میگردد .

بدین سبب است که خائنین به میهن در شرایطی که خلق ایران باید وحدت و همبستگی ملی و یکپارچگی خویش را برای نگهداری مام میهن و تمامیت ارضی آن حفظ کنند ، از "خلیقاتی ایران" و " خودمختاری خلیقهای ایران " دم میزنند . تا بدین وسیله هدف امپریالیسم روس را که بوجود آوردن حکومت‌های "مستقل" و جنگهای داخلی در ایران است ، تأمین کرده ، زمینه را برای تسلط بلامانع وی بر میهن ما فراهم آورند .

هم اکنون رویزیونیستها و خائنین به میهن مترصدند که با برخورد های مسلحانه و طرح شعارهایی چون "سرنگون باد - رژیم سرمایه‌داری" ، تضاد عمده اصلی بین ایران و امپریالیسم شوروی را مخفی و مخدوش کنند و بیان دارند که تضاد عمده در ایران هنوز با امپریالیسم آمریکا و دولت مهندس بازرگان و امام خمینی است . توجه باین مطلب فوق‌العاده مهم میباشد . البته نباید منکر وجود تضادهای طبقاتی در ایران گردید ، بلکه تضادهای مختلف چون تضاد بین طبقات کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی و بورژوازی همچنان وجود دارد و از بین نرفته است . زیرا در جامعه طبقاتی تا زمانیکه پرولتاریا در اثر مبارزات طبقاتی طولانی در یک پروسه دراز مدت به هژمونی دست پیدا نکرده ، این تضادها همچنان موجود است . ولی در مرحله کنونی تاریخ کشور ما که میهن از طرف امپریالیسم روسیه از

شمال و مشرق شدیداً مورد تهدید قرار دارد و هنوز مدت کوتاهی از عمر دولت موقت مهندس بازرگان و سرنگونی رژیم شاه سپری نشده و خطر تجزیه ایران بوجود آمده است ، تضادهای درونی طبقات مختلف بصورت غیرآنتاگونیستی در می‌آید زیرا امپریالیسم روسیه دشمن شماره یک خلق ما است . و اکنون کلیه طبقات و گروههای میهن پرست و ضد امپریالیستی باید در این لحظات حساس که میهن در خطر است ، از امام خمینی و دولت مهندس بازرگان که تنها عامل استقلال ، همبستگی و تشکل و وحدت ملت ایسران در مقابل امپریالیسم روسیه میباشد ، جانهداری کنند و تحت لوای وحدت ملی برای استقلال ، آزادی و حفظ تمامیت ارضی ایران بطور خستگی‌ناپذیر تلاش نمایند . البته وحدت ملی در شرایط کنونی میهن ما بدون صلح داخلی امکان پذیر نمیشود . درست بعلمت همین نکته است که گروههایی تحت رهبری امپریالیسم شوروی به برخورد های مسلحانه در نقاط مختلف ایران که اخیراً نمونه بارزی از آن در کردستان مشاهده شد ، پرداخته و به تفرقه و آشوب که به جنگ داخلی بیانجامد ، دست زده تا قسمت اعظم ایران را به تسلیم وادارند و از وحدت ملی بر علیه سوسیال امپریالیسم - شوروی جلوگیری کنند . اکنون وظیفه همه کمونیستها و میهن پرستان راستین است که برای ایجاد صلح داخلی بکوشند و بسا تمام قوا از درگیری و برخوردهای مسلحانه در داخل کشور

جلوگیری بعمل آورند و به منظور وحدت ملی علیه دشمن اصلی ایران تلاش پیگیری را آغاز کنند .

ولی رویزیونیستهای حزب توده و گروههای وابسته بشوری فکر میکنند که با شعارهای عوام فریبانه خود مانند " تامین حق خودمختاری تمام خلقهای ایران " میتوانند وحدت ملی ایران را از هم بپاشند . ملت ایران از اقلیتهای ملی بسیاری تشکیل یافته و در طول هزاران سال تاریخ مبارزات خود تحت لوای یک کشور واحد یعنی ایران بسر برده و از پستی و بلندیهای بسیاری گذشته است . این اقلیتهای ملی شامل آذربایجانی ، کرد ، بلوچ ، و . . . میباشد . مردم فارس نسبت به سایر اقلیتهای ملی در اکثریت هستند ولی در فراز و نشیب تاریخ ، تمام خلق ایران در محنتها و پیروزیهای خود شریک بوده است ، رژیم کثیف پهلوی از اتحاد و یکپارچگی واقعی مردم ایران اعم از فارس ، آذربایجانی ، کرد ، لر و غمیره وحشت داشت و تمام مردم ایران را تحت ستم و استبداد قرار داده بود . ولی خلق قهرمان ایران با وجود ستم و استبداد در طی هزاران سال مبارزه بر علیه دشمنان طبقاتی خود همبستگی خویش را حفظ نمود . رویزیونیستهای خائن که امروز از " خلقهای ایران " سخن میرانند ، هدفی ندارند جز اینکه زمینه را برای قطعه قطعه کردن ایران و بوجود آوردن " جمهوریهایی " " خلقهای " " مستقل " فارس ، کردستان ، بلوچستان ، سیستان ، آذربایجان ، خوزستان

تورکمنستان ، خراسان ، مازندران ، گیلان ، بختیاری و . . . آماده کنند . یعنی " خلق " فارس هست و " خلق " کرد و " خلق " آذر - بایجان و . . . و چون " خلق " فارس ، " خلق " آذربایجان و کرد را تحت ستم قرار داده ، باید با " شوونیسم فارس " مبارزه کرد و جنایات رژیم شاه خائن را به حساب " خلق " فارس گذارد . آنان با نهایت درجه تروری و ربا میخواهند اولاً خلق ایران را به " خلقهای " ایران تبدیل کرده و سپس بگویند چون " خلقها " در ایران هست ، پس " خودمختاری خلقها " باید باشد و وقتی خودمختاری بود به " استقلال خلقها " خواهیم رسید . گویا این آقایان شعبده بازی میکنند و میتوانند با سرنوشت یک کشور و مردم آن بازی کنند . آنان یعنی رویزیونیستهای حزب توده و سایر وطن فروشان پس از ذکر " حق خودمختاری خلقهای ایران " پا را فراتر نهاده ، در مورد مسئله خودمختاری کردستان بوسیله یکی از عمال دست نشانده خود چنین میگویند : " این خود - مختاری باید تمام حقوق ملی ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی خلق کرد را دربرگیرد . (۱) از این خائنین که نمایندگان و جاسوسان سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران میباشد ، باید پرسید ، دیگر برای تجزیه کردستان از ایران و بوجود آوردن " جمهوری سوسیالیستی کردستان " وابسته به شوروی چه چیزی

(۱) - نقل قول از مصاحبه [ ] با روزنامه کیهان

کم دارید؟ این لب مطلب میباشد و این درست بمعنای تجزیه ایران و آیزوی سوسیال امپریالیسم شوروی است.

کنکته دیگری که رویزبونیستها و نمایندگان آنان بیان می کنند "تامین آزادیهای دموکراتیک برای تمام احزاب بدون استثناء" میباشد. "تمام احزاب" منظورشان احزاب وابسته به امپریالیسم شوروی یعنی حزب توده، حزب دموکرات کردستان و سایر گروههای ارتجاعی و دست نشانده است. این بدان معنی است که این خائنین بتوانند بطورکاملاً علنی با تبلیغات ضد ایرانی، ضد دموکراتیک، منافع حکومت شوروی را به بهترین وجهی و بدون هیچ مانعی پیاده کنند و بدین ترتیب دولت مهندس بازرگان را تضعیف کرده و با توطئه های شوم خود زمینه را برای ایجاد یک دولت دست نشانده مانند حکومت ترکی در افغانستان بوجود آورند. دولت بازرگان و مردم ایران میباشد تحت هیچ شرایطی گول این خائنین را نخورند و هرگز با آنها اجازه فعالیت های ضد انقلابی و ضد مردمی را در ایران ندهند زیرا ما خوب میدانیم که خصلت واقعی رویزبونیستها، هرگز دموکراتیک و آزادیخواهانه نیست و تجربه به نشان داده که منظور آنها از "تامین آزادیهای دموکراتیک" در تحلیل نهایی یعنی بوجود آوردن یک حکومت ضد دموکراتیک و ضد مردمی، آیا در افغانستان جزء اینست؟

آیا آزادیهای دموکراتیک در افغانستان وجود دارد؟ آیا آنان جز قتل

و عام مردم و کشتار انقلابیون تحت لوای دموکراتیک کار دیگری بلدند؟

سوسیال امپریالیسم شوروی شق سوم را برای نابودی ایران برگزیده است، ولی میهن پرستان و آزادگان و کمونیستهای راستین ایران هرگز اجازه نخواهند داد که امپریالیسم شوروی این دشمن اصلی و عمده خلق ایران با توطئه های شوم خود میهن را ببلعد.

همه سر بسر تنمن به کشتن دهیم

از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو ایران نباشد تن من مباد

بدین سوم و برزنده یک تن مباد

گواهی باد استقلال، آزادی و تعلیمیت ارضی ایران.

زنده باد مبارزات خلق کبیر ایران.

مرگ بر سوسیال امپریالیسم شوروی.

مرگ بر تجزیه طلبان و وطن فروشان.

جندش جوانان و دانشجویان انقلابی ایران (م - ل)

فوردین / ۱۳۵۸

آیا خطر تجزیه ایران وجود دارد؟

طرفداران امام خمینی و اسلام قلمداد میکنند و میگویند کمونیسم و اسلام یکی است. نشریه ارتجاعی "نویس" را که منافع امپریالیسم روسیه را تأمین میکند، چاپ میکنند و تحت لوای "وحدت" با پخش تراکتها و اعلامیه‌هاییکه بنام خدا و امام خمینی آغاز میشود همواره می‌خواهند اهداف خائنانه خود را برای تجزیه ایران و وطن فروشی پیاده کنند، آنان کوچکترین صداقتی در ابراز عقاید خود ندارند بلکه فکر میکنند که با شهادی و نیرنگ میتوانند مردم هوشیار ایران را فریب دهند. رهبران خائن حزب توده می‌خواهند با شعارهای عوام فریب چون "مبارزه مسلحانه" و "بوجود آوردن" ارتش خلق" در زمانیکه میهن ما در بحرانیترین شرایط بسر میبرد و هر لحظه ممکنست مورد یورش و تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی قرار گیرد، وطن ما را برای تجزیه آماده کنند. باید از اینان پرسید وقتی شما از "مبارزه مسلحانه" حرف می‌زنند با چه کسی می‌خواهید بجنگید؟ شما شهادان شما رویزیونیستهای حزب توده جز اینکه میخواهید با امام خمینی و دولت مهندس بازرگان که در این لحظات حساس تنها عامل استقلال، همبستگی، تشکلی و وحدت ملت ایران در مقابل امپریالیسم روسیه میباشد، مبارزه کنید و میهن ما را دچار اختناق روس گردانید، هدف دیگری دارید؟

"ارتش خلق" شعار فریبنده ایست که شما می‌خواهید به

مردم ایران که با مبارزات قهرمانانه خود شکست سختی را بر امپریالیسم آمریکا وارد آورده و رژیم ارتجاعی و پوسیده‌شاه را سرنگون کرده‌اند، اکنون با خطر بسیار بزرگ و جدی روبرو می‌باشند. سوسیال امپریالیسم شوروی که همواره آرزوی بلعیدن و تحت نفوذ در آوردن ایران را داشته، با عقب نشینی آمریکا ناگهان به توطئه‌ای جدید و خطرناک دست زده است. انسان جاسوسان فارسی زبان کا-گ-ب کثیری را روانه ایران کرده که در خیابانها و دانشگاههای ما پرتاب می‌زنند و حتی با مردم گفتگو کنند. عمال دیگر آنان یعنی رهبران خائن حزب توده اکنونکه نسیم آزادی در میهن میوزد، دسته جمعی به ایران باز گشته و علنا به تبلیغات زهرآگین وسیعی در میان مردم دست زده‌اند اینان آزادانه بنام "کمونیست" و "توده‌ای" خود را از

وسيله آن ارتشی از نوع ارتش " خلق " ترکی در افغانستان و یا ارتش "خلق" منگستو در انیویپی گسه بوسيله مستشاران روسی اداره و رهبری میشود برای سرکوبی مردم و تجزیه ایران بوجود آورید. "ارتش خلق" مگر یکباره از آسمان نازل میشود، آنها هم با توطئه شما دست نشانندگان کرملین؟ مبارزات انقلابی تحت رهبری پرولتاریا در سراسر جهان نشان داده است که ارتش خلق میبایست تنها و تنها تحت رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست مارکسیستی - لنینیستی ایران بوسيله تسوده‌های دهقانان و کارگران در یک پروسه طولانی مبارزات آتشین بوجود آید، نه آنکه یک شبه آنها هم با تغییر مهره‌های نظامی از بالا یکباره پدیدار گردد.

هموطنان و میهن پرستان راستین ایران:

همانگونه که در گذشته امپریالیسم انگلیسی تحت لسوای "تفرقه بینداز و حکومت کن"، دست تجاوز و تجزیه در جهان میزد، اینک سوسیال امپریالیسم شوروی میهن عزیز ما را بوسيله عمال خود مورد تهاجم قرار داده است. هم اکنون زمره‌های تجزیه در کردستان، آذربایجان و بعضی نقاط ایران بگوش میرسند. رویزیونیستهای خائن حزب توده و سایر وطن فروشان برای تجزیه ایران توطئه میکنند. ولی خلق کبیر ایران در طول هزاران سال تاریخ پرافتخار مبارزات خود بارها بر لب پرتگاه رفته ولی دوباره قد برافراشته و حاکمیت ارضی و استقلال خود

را حفظ نموده است، اینبار هم توطئه نوم سوسیال امپریالیسم شوروی و عمال دست نشانده آنان یعنی رویزیونیستهای وطن - فروش خائن را درهم خواهد شکست.

مرگ بر سوسیال امپریالیسم شوروی.

مرگ بر رهبران خائن حزب توده.

مرگ بر تجزیه طلبان و وطن فروشان.

گرامی باد استقلال، آزادی و تمامیت ارضی ایران.

جنش جوانان و دانشجویان انقلابی ایران (م - ل)

اسفند / ۱۳۵۷



## چشم طمع مسکو به ایران

راديو مسكو مكررا اعلام مي‌دارد كه وضع ايران ديگر به لحظه حساسي رسيده است. خروش‌چف در زمان خود ايران را به يك سيب پيش از حد رسيده تشبيه کرده و ادعا نمود كه بايد منتظر بود تا خودش به دامان ما بيفتد. امروز برزنگ با شتابزدي خاصي آماده است كه براي چيدن اين سيب پيش از حد رسيده دست خود را دراز بكند. چنانچه گفته ميشود كرم‌لين در آغاز آنقدر جرئت نداشت كه آشكارا ادعای خود را نمايان سازد و نا اندازه‌اي آنرا پنهان مينمود. پس هنگاميكه اوضاع در ايران بطور روزافزون جديتر ميگردد، تزارهاي نوين نميتوانند در انتخاب عجولانه براي تحقق تمايلات، خود را كنترول نمايند. كرم‌لين به منظور گل آلود كردن آب و تحقق ادعایش با استفاده از راديوي دائر شده از طرف شوروي واقع در مرز

ايران و شوروي برنامه به زبانهای محلي ايران را پخش کرده و مردم ايران را تحريك مينمايد و به توطئه‌های گوناگون دست ميزند. علاوه گاخ كرم‌لين همچنين به عمال خود دستور ميدهد كه به منظور سرهم بندي و پرورش و توسعه نيروهای طرفدار شوروي نيز آرايش فوري را بعمل آورد، بطوريكه حداقل ۱۲ فروند رزما و شوروي در آبهای اطراف تنگه هرمز رفت و آمد ميکنند، زير دريائيهاي خود را در آنجا لنگر انداخته، ناوهای نيروي دريائي در پايگاههای شوروي كه در نزديكي اين تنگه واقع ميباشد. هواپيماي جنگنده و چند ميگ ۲۱ و ۲۸ در آنجا ظاهر ميشود. ناظرين شوروي متذکر نشدند كه هدف نهايي شوروي از اين محاصره نظامي كه در شبه جزيره عربي نا خلیج فارس صورت گرفته هم براي كنترول بر منطقه دريای سرخ و هم براي مقاومت در برابر حوادث ايران ميباشد. اينكه گاخ كرم‌لين چشم طمع به ايران مي‌دوزد، هيچ تعجبي ندارد. ايران همسايه نزديك شوروي ميباشد و از قديم الايام بزرگترين مانع اين قدرت شمالي در راه تحقق استراتژيك بسوي جنوب محسوب ميگردد. تزارهاي روسيه به منظور بچنگ آوردن راه خروج دريايي و رسيدن به اقيانوس هند در جنوب بارها آتش جنگ را برافروخته و سرزمينهاي وسيعي از ايران را به اشغال خود در آورده بودند ولي در نتيجه مبارزه شجاعانه مردم ايران ورقابيت و كشمکش بين قدرتهاي مختلف تزارهاي كهين روسيه نتوانستند

آرزوی خود را بطور کامل برآورده سازند. تزارهای نوین کاخ کرملین در ادامه آرمان نافرمان تزارهای کهن زیر نابلوی حسن همجواری همچنان به فعالیت‌های نفوذ کننده و واژگون سازنده علیه ایران ادامه می‌دهند و بطوری که روزنامه پراودا چاپ شوروی علناً نوشت شوروی که مستقیماً به ایران محدود است، نسبت به امور کشور همسایه خود نمیتواند بی‌اعتنا بماند. برای همه معلوم است که این امر به منافع امنیت شوروی مربوط است. مسکو همچنین با توسل به شیوه‌ایکه دزد فریب‌داز میزند دزد را بگیرد، مگر با کشورهای دیگر را سرزنش میکند که گویا آنها می‌خواهند در امور داخلی ایران دخالت کنند. گذشته از این در این اواخر مسکو با وجود نظام به آمریکا حمله میکند که دست به اعمال بی‌نامه دیپلماتی در ایران میزند. در واقع این یک تاکتیک تبلیغاتی شوروی کسه با توسل به شیوه نگاهش دیگران تظاهرات آزمندانه خود نسبت به ایران را پرده‌پوشی میکند، چیز دیگری بیش نیست. همگان واقفند که ایران در سر راه خلیج فارس واقع است و دارای اهمیت بزرگ استراتژیک میباشد. خط کشتیرانی برای حمل و نقل پتروشیمی نفت بفرغ از اینجا عبور میکند. اگر شوروی روزی ایران را تحت کنترل خود درآورد، آنوقت خواهد توانست در تمامی منطقه خلیج فارس مزایایی بدست آورد و یورش در حریم حمل و نقل غرب ایجاد نماید. در حالیکه نفت برای سوسیال امپریالیسم شوروی در

مبارزه باش بخاطر برقراری استیلا جوی بر جهان یک منبع استراتژیکی دارای اهمیت فوق العاده بزرگ میباشد. گذشته از این میزان تولیدی نفت در میدانهای نفت خیز موجود شوروی تدریجاً کاهش مییابد و برای استخراج میدانهای نفت خیز نوین در خاور و شمال آن کشور نه سرمایه‌لازمه را دارد و نه تکنولوژی مربوطه را یاد گرفته است. بنابه پیش بینی‌های غرب تا سال ۱۹۸۲ میزان تولیدی نفت شوروی تنها میتواند نیازمندیهای خودش را تکافو نماید و تا ۱۹۸۵ احتمال می‌رود او برای وارد کردن نفت سالانه ۱۰ میلیارد دلار آمریکایی را خرج نماید. در مقابل اینگونه دورنما بدیهیست که شوروی به نفت ایران چشم طمع دوخته است. خواسته مهم اینست که شوروی بمنظور رقابت بخاطر اروپا و برقراری استیلا جوی بر جهان هم چنین به حراست محاصره‌ای در جنوب اروپا میپردازد.

طی سالهای اخیر شوروی همچنین میکوشد از سوی از جنوب افریقا شروع کرده از طریق شاخ افریقا و عبور از سواحل دریای سرخ و خلیج فارس بسوی اقیانوس هند در جنوب رسیده و از سوی دیگر با پیوند دادن اقیانوس آرام غربی با اقیانوس هند از راه تنگه مالاکا راه آسیای جنوب خاوری و آسیای غربی را هموار نماید، تا اروپای غربی و منطقه آسیا مورد محاصره واقع شود. اکنون شوروی با وجود تمام سعی میکند که با سوءاستفاده از بحران ایران در خلیج فارس تکیه گاه جدید را بدست بگیرد.

این درست یک اقدام مهم شوروی برای اعمال استراتژیکی طمع-کارانه کره ارضی محسوب میگردد ، دلیل علاقه مفسرط شوروی نسبت به ایران فقط در همین نکته خلاصه میشود .

۵۷/۱۱/۴

( نقل از برنامه فارسی رادیو پکن . )

آیا واقعا شوروی امروزه بهشت برابری

ملیتهای مختلف است ؟

چندی پیش برژنف در تلگرامی بار دیگر درباره باصطلاح موفقیتهای شوروی در حل مسئله ملی به لاف وگزارافه‌گویی پرداخت و ادعا کرد که گویا در شوروی مسئله ملی دیگر کاملاً حل شده است و بدین ترتیب شوروی امروزه را به مثابه بهشت برابری ملیتهای مختلف جلوه داده است . آیا واقعیات حقیقتاً چنین است ؟ بگذار واقعیات زیر را ببینیم :

ماه آوریل سال ۱۹۷۸ در ارمنستان و گرجستان توده‌های مردم از ملیتهای محلی یکی پس از دیگری بعنوان اعتراض علیه سیاست تبعیض لسانی مقامات حاکمه شوروی درمورد ملیتهای غیر روس دست به تظاهرات و دموونستراسیونها زدند . مه سال گذشته یکی از تانارهای کریمه برای اعتراض علیه تبعیض ملی مقامات حاکمه شوروی خود را آتش زد و سپس بیش از ۸۰۰

نفر از نانارهای کریمه برای تشیع جنازه‌اش تظاهراتی برپا کردند در همان وقت در جمهوری آذربایجان وزیر امور داخلی، معاونش و عدل‌های دیگر کشته شدند. در شش ماه اول سال گذشته توده‌های مردم جمهوری خودمختار ارمنستان تا تشکیل تظاهرات و ارسال نامه‌ها و مخابره تلگرامها به مقامات حاکمه شوروی علیه ستم ملی و مشابه‌سازی بزور اعمال شده از طرفتان اعتراض کردند. در شوروی اینگونه حوادث مقاومت جویانه ملی که در سال گذشته رخ داده است از سالهای ۷۰ تا بحال به کرات دیده می‌شود. آوریل سال ۱۹۷۵ دانش‌آموزان شهر مینسک از بلا روسیه ضمن تظاهرات شعار میدادند:

"اینجا چکسلاواکی نیست."

اکتبر سال ۱۹۷۱ کارگران معادن دونتسک از اوکراین برای تقاضای بهبود شرایط کار دست به اعتصاب زدند. سال ۱۹۷۲ در لیتوانیا، استونیا و اوکراین وقایع زیادی نظیر خودسوزی و تظاهرات بعنوان اعتراض علیه ظلم و ستم ملی باره‌ارخ دادماست. عده‌ای از اعضای سالخورده حزب کمونیست لیتوانیا طی نامه سرگشاده خود مقامات حاکمه شوروی را که شوونیسم روس کبیر را اعمال میکنند، اقصاء کردند. یکی از سازمانهای زیرزمینی اوکراین با پخش تراکتها خاطر نشان ساخت: برژنف و نظایرش به سوسیال امپریالیستها انحطاط یافته‌اند. سال ۱۹۷۳ در بلا روسیه، اوکراین و لیتوانیا

کارگران اعتصاب کردند. در کوتایسی از گرجستان تظاهراتی برپا شد. سال ۱۹۷۶ یکی از سازمانهای زیرزمینی اوکراین تراکت‌هایی پخش کرده و در آن به اعمال ستم ملی و اجتماعی و روسی کردن ملیتهای غیر روس اعتراض نمود.

دانشجویان شهر تارتووا استونیابا برپا کردن تظاهراتی تقاضای حقوق دمکراتیک را کرده و علیه ظلم و ستم ملی مبارزه نمودند.

واقعیات بیشماری نشان میدهد که در شوروی امروزه مسائل ملی نه تنها حل نشده، بلکه برعکس بر اثر اجرای سیاست ارتجاعی شوونیسیم روس کبیر از طرف برژنف ستم ملی روز بروز شدت مییابد. برژنف همچنین بانفی بیانیه حقوق ملیتهای مختلف روسیه که لنین در زمان خود انتشار داده بود، تلاش بیهودهای جهت اثبات این موضوع که شوروی امروزه همچنین وفادار و پایبند در اجرای بیانیه مذکور میباشد، دارد و ادعا میکند که گویا سیاست دولت شوروی در مسئله ملی همیشگی و تغییرناپذیر است. ولی حقیقت مسلماً اینست که دارو دسته خائنین روبرژونیسیتی شوروی از زمان غصب قدرت بدین طرف یعنی مدتها قبل در سیاست ملی به‌اصولی که از طرف لنین بیان شده بود کاملاً خیانت کرده‌اند. لنین در زمان خود بروشنی خاطر نشان ساخت "حتی کوچکترین مظه‌ری از ناسیونالیسم روس کبیر را باید مورد تعقیب فوق‌العاده جدی قرار دارد." ولی

امروزه دارو دسته رهبری شوروی به لاف و گزافه‌گویی در باره شوونیسیم روس کبیر پرداخته و مدعی هستند که گویا در هیچ نقطه‌ای از جهان هیچ‌خصلت و صفت بشریت به بزرگی و اولویت ملت روس نمی‌رسد. ملت روس مهمترین و بزرگترین وظیفه برای نیل به ترقی جامعه و سعادت بشریت را بعهده خود گرفته‌است. آنها علنا سیاست لنین مبتنی بریدل توجهات خاص به تربیت و پرورش و استخدام کادرها از اقلیتهای ملی خیانت کرده و تعداد زیادی از کادرهای ملیتهای غیر روس را تصفیه و عسزل و عوض نمودند. آنها ادعا میکنند که گویا اکنون نمیتوان برحسب ویژگیهای ملی کادرها را برگزید و جمهوریهای شوروی اجازه ندارند در زمینه آماده کردن و استخدام کارمندان ملی هیچ مظهری از خصوصیات ملی داشته باشد. دارو دسته رهبری شوروی همچنین پیشرفت فرهنگی اقلیتهای ملی را سرکوب میکنند. اگر اقلیتهای ملی بخواهند تاریخ ملی خود را توضیح دهند و فرهنگ ملی را رشد و تکامل داده و آثار باستانی و فرهنگی خود را حفظ و حراست کنند، آنوقت لقب مظهری از ناسیونالیسم بر آنها گذاشته میشود.

مقامات حاکمه شوروی علنا اعلام کرده‌اند که میخواهند زبان روسی را به لسان مشترک تمام شوروی مبدل سازند و با توسل به هر وسیله‌ای از رشد و تکامل زبانهای اقلیتهای ملی جلوگیری نمایند. در شوروی امروزه از تعداد مدارس و کلاسها نیکه

در آن بزبانهای ملی تدریس میشود روز بروز کاسته میگردد و بطوریکه در مدارس بسیاری در مناطق مسکونی ملیتهای غیر روس تدریس بزبانهای ملی آن ناحیه کاملاً قطع شده، در زمینه اقتصادی مقامات حاکمه شوروی در مناطق اقلیت نشین اقتصاد را به شکل مستعمره رشد ناموزون داد تا اینکه این مناطق وابسته به ناحیه روسیه شوند و بورژوازی انحصارگر بوروکراتیک شوروی بتواند مردم اقلیتهای ملی را تحت کنترل و استعمار خود قرار دهد.

واقعیات بیرحمانه‌ای نشان میدهد، که دارو دسته بورژنرف بطور جنون‌آمیز و دیوانه‌وار سیاست ستم و تبعیضات ملی را اجراء میکند. امروزه بهیچ وجه بهشت برابری ملیتهای مختلف نیست. چرندگوئیهای گوناگون بورژنرف جز پرده‌ای روی جنایاتش چیز دیگری بیش نیست.

۵۷ / ۱۰ / ۳۰

( نقل از برنامه فارسی رادیو پکن . )

رفقا و دوستان :  
به رادیو بکن گوش دهید .  
رادیو بکن هر شب روی امواج  
۴۰ و ۴۱ متر در ساعت ۷ و  
 $\frac{1}{4}$  پخش میشود .